

مادلونگ و افق‌هایی نو در شیعه پژوهی



حمیدرضا تمدن

دبیرپرونده | حمیدرضا تمدن
پژوهشگر تاریخ فقه و اندیشه
اسلامی معاصر است. او دکترای فقه
و مبانی حقوق اسلامی از دانشگاه
امام صادق دارد.

اسلامی و ملل و نحل و فقه را به یکدیگر مرتبط می‌سازد، نگاه نقادانه او به شیوه مستشرقان در تاریخ‌نگاری سنت کلامی و فقهی اسلامی است. کوبی مادلونگ معتقد بود آنچه تاکنون درباره سنت اسلامی در ابعاد گوناگونش نوشته شده، تنها بر پایه منابع اهل سنت بوده، در حالی که این میراث طی گفت‌وگوهای اندیشمندان مذاهب و فرقی مختلف شکل گرفته و نادیده گرفتن سهم تشیع امامی اثنا عشری، زیدی و اسماعیلی موجب می‌شود تا تصویری ناقص از این میراث به دست آید. بر همین اساس مادلونگ کوشید تا با مطالعه و نوشتن درباره زوایای ناپیدای این سنت، نقش دسته‌های گوناگون شیعی را بر مبنای منابع اصیل این مذهب واکاوی کند.

به هر حال می‌توان مادلونگ را یکی از پیشگامان شیعه پژوهی در آکادمیای غرب دانست. او در نوشته‌هایی مانند «Imamism and Mu'tazilite Theology» ضمن توجه به داد و ستدهای اعتقادی شیعه با دیگر مکاتب فکری، کوشید تا سرچشمه‌های تشیع و شکل‌گیری کلام آن، پس از قرن سوم رادر باورهای «معتزلیان بغداد» بجوید. رویکردی که برخی دیگر از پژوهش‌های خود مادلونگ در این زمینه، با آنچه کسانی دیگر همچون مکدموت و اشمیتکه نوشته‌اند، آشکارا متاثر از آن است. حتی گرایش‌های دیگر مانند آنچه محمد علی امیرمعزی درباره تشیع نخستین، آموزه‌ها و باورهای آنان و نگاهشان به امامت و... مطرح کرده است را هم باید نوعی واکنش به نگرش یادشده دانست؛ تا آنجا که امیرمعزی در دیباچه‌ای که بر کتاب راهنمای ربانی در تشیع نخستین نوشته، اهمیت این اثر را در پرداختن به دورانی می‌داند که پژوهش‌های دیگر از آن غفلت کرده‌اند و امیرمعزی آن را سنت اصلی یا همان «امامیه باطنی فراعقلانی» نامیده است (ص ۳۷). او معتقد است که «وقتی ما به امامیه نخستین اشاره می‌کنیم منظور، این سنت است و همین سنت است که موضوع پژوهش کنونی است و این سنت نباید تا آنجا که به امام‌شناسی مربوط است، با سنت متأخری که به نام «امامیه فقهی-کلامی-عقلانی» خوانده می‌شد و تحت تأثیر معتزله بود و متکلمان و فقهای مکتب بغداد نماینده آن بودند اشتباه گرفته شود» (ص ۳۸).

حال باید پژوهشی جدید انجام گیرد تا بر مبنای آخرین نوشته‌های مادلونگ و توجهش به مبحث «امامت» و باورهای اصحاب امامان، کسانی همچون زراره و هشام بن حکم، در کنار نخستین جوامع حدیثی امامیه همچون کتاب الکافی و مسائلی از قبیل عقل، توحید، استطاعت، بداء، علم خداوند و علم امام که مورد توجه او قرار گرفته و برخی از آنها به کلی متفاوت از آراء معتزله در این مسائل است، به این پرسش، پاسخ دهد که آیا گرایش نخست مادلونگ درباره اثرپذیری تشیع از معتزله همچنان استوار مانده یا توسط خود او نقض شده است؟ همچنین برای آنکه بتوانیم سیر تحول

مدتی قبل ویلفرد مادلونگ، یکی از بزرگ‌ترین اسلام‌شناسان و شیعه‌پژوهان اروپایی چشم جهان فرو بست. او به سال ۱۹۳۰ میلادی در شهر اشتونگارت، واقع در غرب آلمان، به دنیا آمد و در همین شهر رشد یافت. وی در سال ۱۹۴۷ میلادی و در پی دعوت پدرش برای استخدام در نیروی دریایی ایالات متحده به امریکارفت و ابتدا دوره دبیرستان را به پایان رساند و پس از آن به دانشگاه جورج تاون رفت و آموختن زبان عربی را از همین دوره آغاز کرد. وی پس از یک سال تصمیم گرفت تا برای افزایش مهارت خود در زبان عربی به کشوری عرب‌زبان برود. انتخاب او برای تحقق بخشیدن به این هدف، کشور مصر بود و گرچه ابتدا در نظر داشت یک سال در مصر بماند، اقامتش در این کشور سه سال به طول انجامید. وی اولین مدرک دانشگاهی خود، یعنی کارشناسی را از دانشگاه قاهره که در ابتدای حضورش «دانشگاه فؤاد» نام داشت و بعدها در پی تحولات سیاسی تغییر نام داد، دریافت کرد. در این مدت خانواده مادلونگ به آلمان بازگشته بودند؛ او نیز به کشورش بازگشت و تحصیل در دانشگاه گوتینگن را آغاز کرد و سپس به توصیه استادش دانشگاه هامبورگ را برای ادامه تحصیل برگزید و در سال ۱۹۵۷ میلادی مدرک دکترای خود را از آن دانشگاه دریافت کرد.

مادلونگ پس از مدتی کار به عنوان وابسته فرهنگی آلمان غربی در بغداد، تصمیم گرفت تا فعالیت دانشگاهی خود را از سر گیرد. وی پس از آن، فرصتی پیدا کرد تا دوباره به کشور امریکا سفر کند. او از سوی دانشگاه تگزاس در شهر آستین به عنوان استاد هممان، دعوت شد و بدین ترتیب اولین موقعیت شغلی دانشگاهی اش را تجربه کرد. مادلونگ بعد از آن با همسرش مارگارت که فارغ التحصیل دانشگاه شیکاگو بود و آن زمان در دانشگاه تگزاس تدریس می‌کرد آشنا شد. او مادلونگ را به دانشگاه شیکاگو معرفی کرد و همین آشنایی و معرفی باعث شد تا مادلونگ از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۷۸ میلادی در آن دانشگاه تدریس کند و در رشته تاریخ اسلام به درجه استاد تمامی دست یابد. پس از این دوران بود که فرصت استادی در دانشگاه آکسفورد برای او فراهم شد و آلبرت هورانی، یکی از محققان نامدار بریتانیایی لبنانی، وی را به مسئولان دانشگاه آکسفورد معرفی کرد و مادلونگ در آن دانشگاه مشغول به کار شد. مادلونگ تا سال ۱۹۹۸ میلادی به عنوان استاد در آکسفورد ماند و سپس بازنشسته شد و به درجه استاد ممتازی نائل آمد. وی در آن زمان به عنوان محقق ارشد به مؤسسه مطالعات اسماعیلیه لندن دعوت شد و ارتباطش با این مؤسسه را به عنوان عضو هیئت علمی، تا سال‌های پایانی عمرش حفظ کرد.

این گونه به نظر می‌رسد که آنچه پژوهش‌های مادلونگ در زمینه‌های مختلفی همچون تاریخ اندیشه‌های کلامی مذاهب و فرقه‌های